

آموزه‌های مرتبط با جنسیت در اسلام

□ احمد امامی راد**

□ مریم مشهدی علی‌پور***

چکیده

بخشی از آموزش جنسی، آموزه‌های مرتبط با جنسیت است. داده‌های تحقیق، به صورت کتاب‌خانه‌ای گردآوری شده است. این پژوهش، با هدف تبیین آموزه‌های جنسیتی، با روش تحقیق کیفی انجام شده است. ادله دینی مرتبط، در هفت گروه مورد بررسی دقیق قرار گرفته است. در اسلام، جنسیت خاص، ملاک برتری نیست. از این رو، برخی ادله، به لزوم رضایت به جنسیت فرد و مقتضاهای آن و عدم آرزوی داشته‌های جنس مخالف، تاکید دارند. تحسین برخی آموزه‌ها و خصوصیات برای جنسیت خاص، هم‌چنین منع از تشبیه به جنس مخالف و تقسیم کار مردانه و زنانه از دیگر گروه روایاتی است که به اصل مسأله و محتوای آن دلالت دارد. شمارش برخی خصوصیات ذاتی مثل شهوت و حیای بیشتر در جنسیت خاص نیز، بر اصل تفاوت جنسیتی و آموزش و محتوای آموزش جنسی دلالت دارند. در مجموع، اسلام علاوه بر ارج نهادن به هر دو جنس، برخی خصوصیات و تکالیف جنسیتی را مقتضای تعامل سازگار هر دو جنس دانسته و آموزه‌های ذکر شده را برای بهینه‌سازی تعاملات خانوادگی و اجتماعی ضروری می‌داند.

واژگان کلیدی: تعلیم جنسی، تشبیه به جنس مخالف، آموزه جنسی، نقش جنسی، هویت جنسی.

* تاریخ وصول: ۱۴۰۲/۱/۲۴؛ تاریخ تصویب: ۱۴۰۲/۹/۳۰.

** احمد امامی راد، پژوهشکده علوم اسلامی بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی (نویسنده مسئول):

(ahmad_emami.rad@islamic-ir.ir)

*** مریم، مشهدی علی‌پور، دکتری علوم قرآن و حدیث: (zendegialii۴۵۶@gmail.com)

مقدمه

در مورد مفهوم «جنس»، «جنسی» و «جنسیت» دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد (ر.ک: بستان، ۱۳۹۶: ۳؛ دهخدا، ۱۳۶۱، ذیل واژه «جنس، جنسی، جنسیت»؛ آریان‌پور کاشانی، فرهنگ ۱۳۸۷: ۵۹۰؛ حییم، ۱۳۷۵: ۱۵۶؛ تورس، ۱۳۷۵: ۱۶؛ کجاف، ۱۳۸۷: ۱۳). بخشی از بحثی که در آموزش جنسی وجود دارد و یا می‌تواند وجود داشته باشد، آموزه‌های جنسیتی فرد است. آموزش نقش جنسیتی را به‌فرایندی اطلاق کرده‌اند که افراد از طریق آن با ارزش‌ها، نگرش‌ها، انگیزه‌ها و رفتارهایی آشنا می‌شوند که در یک فرهنگ، مخصوص مردان یا زنان است و هدف از آن، پرورش برای ایفای نقش جنسیتی ویژه است. بر اساس چنین فرایندی، فرد به‌مفاهیمی چون نقش رفتار جنسی، الگوهای رفتاری طبقه‌بندی‌شده و پذیرش نقش جنسیت و ... توجه می‌کند (فقیهی و دیگران، ۱۳۸۷: ۵۱-۸۰).

در طول تاریخ، به‌ویژه در دهه‌های اخیر، مسأله جنسیت و آموزش‌های مرتبط با آن به‌صورت عام، بحث‌های زیادی را به‌خود اختصاص داده و از کاوش‌های مهم در محتوای آموزش جنسی به‌حساب می‌آید (معاونت پژوهش مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام‌خمينی، ۱۳۹۰: ۲۹-۳۰). توجه به این اصل کلی که «جنسیت» در محتوای آموزش جنسی تاثیرگذار است، مهم است. از سوی دیگر، آثاری در تربیت و آموزش جنسی به‌طور عام نوشته شده است (موسوی و امامی‌راد، ۱۳۹۹؛ اعرافی، ۱۳۹۶؛ فقیهی، ۱۳۹۲)، ولی برای اثبات دخالت جنسیت در محتوای آموزش جنسی در اسلام، لازم است ادله مرتبط مورد بررسی دقیق قرار گیرد. تاکنون پژوهشی جامع در این زمینه انجام نشده است. پژوهش حاضر با هدف اثبات جریان آموزش مرتبط با جنسیت در آموزش جنسی، در صدد پاسخ‌گویی به این سؤال است که چه ادله‌ای در متون اسلامی مرتبط با جنسیت فرد وجود دارد؟ این پژوهش با روش کیفی، به‌اکتشاف محتوای آموزه‌های اسلامی مرتبط با جنسیت، پرداخته و مورد توجه قرار گرفته است. برای این اکتشاف مطالبی که در اسناد مکتوب ذکر شده است، مورد تحلیل مفهومی و تحلیل مضمونی قرار می‌گیرد. با توجه به لزوم دقت بیشتر در استخراج مطالب و تحلیل آن‌ها، بررسی عمیق مورد توجه خاص است. قبل از ورود به بحث لازم به‌ذکر است که در اسلام، ملاک برتری افراد، جنسیت آنان نبوده

و در قرآن کریم نیز، از هر دو جنس تجلیل شده است (احزاب: ۳۵). اما ادله‌ای نیز، وجود دارد که بر اصل تفاوت‌های جنسیتی و لزوم آموزش جنسیتی و محتوای خاص آموزشی آن دلالت دارد، که این امور به معنای عدم عدالت جنسیتی نبوده و ناظر به سعادت انسان‌ها است.

پیشینه

در مورد مسایل جنسی و تربیت و آموزش جنسی به‌طور عام (فروید، ۱۳۴۳: ۱۰۰-۱۰۹؛ شاملو، ۱۳۹۰: ۴۵؛ محمدقاسمی، ۱۳۶۹: ۶۹؛ راس، ۱۳۷۸: ۸۷-۸۸؛ شولتز، ۱۳۷۷: ۵۶؛ و ...) و مباحث جنسیتی به‌طور خاص (حلی، ۱۳۸۸: ۵۷۵؛ سبحانی، ۱۳۷۵: ۷۳/۱؛ امامی‌راد، ۱۳۹۳: ۱۱۱-۱۳۷) آثاری به‌رشته تحریر در آمده‌اند که مجال بررسی کامل نیست. اما اثبات جریان اصل آموزش جنسی به صورت منسجم به‌چشم نمی‌خورد که مقاله حاضر در صدد این امر است.

مفهوم‌شناسی

درباره مفهوم جنس، جنسی و جنسیت، تعریف‌ها و نظرات متعددی وجود دارد. مراد از جنسیت در این پژوهش، مذکر و مؤنث بودن فرد است، که به معنای مردی و زنی، رجولیت و انوئیت و اشاره به‌بعد زیست‌شناختی است (دهخدا: ذیل واژه «جنس، جنسی، جنسیت»؛ صابری فتحی و دیگران: ۴۱-۴۹).

آموزش جنسیت در متون اسلامی

در اسلام درباره آموزش مرتبط با جنسیت توصیه‌هایی وجود دارد که باید بررسی قرار می‌گیرند. با اشاره به‌ادله، میزان دلالت یا عدم دلالت آن‌ها و نیز، حدود و قیودشان مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. تفاوت طبیعی

در آیه ۳۲ سوره نساء، به طبیعی بودن تفاوت‌های زنان و مردان و لزوم رضایت افراد به مقتضیات جنسیت خود، چنین اشاره شده است: «وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ وَاسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا» (نساء، ۳۲).

در این آیه شریفه، کلمه (تمنی) که فعل نهی «لَا تَكْتُمُوا» از آن گرفته شده، به معنای این است که انسان بگوید ای کاش فلان جریان فلان جور پیش می‌آمد و یا فلان چیز را می‌داشتم. اگر چنین گفتاری را تمنا بنامند، از باب نام‌گذاری و توصیف لفظ به صفت معنا است، چون تمنا و آرزو کار زبان نیست، بلکه کار دل است. دل وقتی به چیزی که آن را دوست می‌دارد، ولی دست یافتن به آن را دشوار و یا غیر ممکن می‌بیند، حالت آرزو در آن پیدا می‌شود. حال چه صاحب این دل، آرزویش را به زبان نیز، جاری بکند و یا نکند. از ظاهر آیه برمی‌آید که می‌خواهد از آرزویی خاص نهی کند، و آن آرزوی داشتن برتری‌هایی است که در بین مردم ثابت است، برتری‌هایی که ناشی از تفاوت‌هایی که بین اصناف انسان‌ها است. بعضی از صنف مردانند و به همین خاطر برتری‌هایی دارند. بعضی از صنف زنانند و به ملاک زن بودن برتری‌های دیگری دارند. این آیه در صدد بیان این امر است که از دل بستن و اظهار علاقه به کسی یا صنفی که فضلی دارد، صرف نظر کنید. به خدا علاقه بورزید، و از او در خواست فضل کنید (طباطبائی، ج ۴، ۱۴۱۷: ۳۳۶). در واقع، متعلق نهی در این آیه شریفه، جوانحی و فکر انسان است.

با توجه به ادامه آیه «لَلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ» این آیه، در صدد نهی از آرزوی فضیلت‌های جنس مخالف است و اختصاص به یک جنسیت هم ندارد. حتی در صورت قبول وجه نزول آیه، ام سلمه (یکی از همسران پیامبر) به ایشان عرض کرد: چرا مردان به جهاد می‌روند و زنان جهاد نمی‌کنند؟ چرا برای ما نصف میراث آن‌ها مقرر شده؟ ای کاش ما هم مرد بودیم و همانند آن‌ها به جهاد می‌رفتیم و موقعیت اجتماعی آن‌ها را داشتیم (طبری، ج ۵، ۱۴۱۲: ۳۰). وجه نزول آیه، مخصّص نبوده و اختصاص به خصوص زنان ندارد. هم‌چنین اگر آیه دلالت به آرزو نکردن زن و مال دیگری (سمرقندی، ۱۴۱۶: ۲۹۸) و حسد نورزیدن (طبرسی، ۱۳۷۲: ۶۴/۳) هم داشته باشد، اصل دلالت آن به نداشتن آرزوی خصوصیات جنس مخالف جریان دارد. ادامه آیه شریفه به صراحت بیان می‌دارد که «برای مردان از آنچه به دست آورده‌اند، بهره‌ای است و برای زنان نیز، از آنچه کسب کرده‌اند بهره‌ای»؛ «لَلرِّجَالِ» و «لِلنِّسَاءِ» اشاره به جنسیت زن و مرد دارد و یا حداقل بر این امر نیز، دلالت دارد و از آرزوهای مربوط به جنسیت نهی می‌کند و افعال جوانحی (آرزو) هم متعلق نهی واقع می‌شوند. برخی از مفسران

نیز، در تفسیر این آیه آورده‌اند: «برای مرد جایز نیست که آرزو کند که ای کاش زن بودم و برای زن هم جایز نیست که آرزو کند که ای کاش مرد بودم» (طوسی، بی تا: ۱۸۴/۳). برخی دیگر نیز، به عدم آرزوی صنف زن و صنف مرد از سوی جنس مخالف در تفسیر این آیه اشاره دارند (طباطبائی، ج ۴، ۱۴۱۷: ۳۳۶). آیه شریفه از آرزوهای باطل نیز، نهی کرده است (طبری، ۱۴۱۲ق: ۳۱/۵). این آرزوها می‌تواند به افسردگی و گناه و حسد (طبرسی، ج ۳، ۱۳۷۲: ۶۴) و ... منجر شود که دستور ذکر شده، به نوعی پیش‌گیری از امثال این امور نیز هست. در واقع، وقتی چنین آرزویی در دل هر یک از مرد یا زن ایجاد شود، ممکن است به اختلالات و رفتارهای خاصی منجر شود؛ آیه شریفه برای پیش‌گیری از این اختلالات و کنش‌ها، چنین امری را ذکر می‌کند؛ چنان‌که این راه‌کار در درمان برخی از امور جنسیتی نیز، مؤثر است. با این توضیح که فردی که به اختلال «ترنس» مبتلا شده و آرزوی جنس مخالف بودن خود را دارد، می‌توان از لحاظ شناختی، حکمت خداوند و خصوصیات و ارزش‌های جنسیت او و مواردی از این قبیل را یادآوری کرده و به درمان هر چند تدریجی او کمک شایانی کرد. این امر یاری‌رسان عزت نفس فرد نیز، خواهد بود. توضیحات بیشتر این نوع در مان، پژوهش دیگری را می‌طلبد.

۲. نهی از غیرت زنان و مردان

غیرت، امری درونی است که به معنای ننگ‌داشتن از چیزی است که سبب عیب و نقص در خود یا در اهل و متعلقات باشد (طریحی، ج ۲، ۱۳۷۵: ۲۴۶). غیرت، اهتمام‌ورزی نسبت به ناموس خود و همسر یا فرد مورد علاقه است، به حدی که به‌دیگری اجازه تعرض به حریم خویش را ندهد (نراقی، ج ۱، ۱۳۸۵: ۲۷۴-۲۶۶). روایاتی هستند که غیرت مردان و زنان را در موارد خاص مورد مذمت قرار می‌دهند. این روایات در دو گروه مورد توجه است:

گروه اول: روایاتی که غیرت زن نسبت به مرد را در موارد خاص مورد مذمت قرار می‌دهد.

گروه دوم: روایاتی که غیرت مرد نسبت به زن را در موارد خاص مورد مذمت قرار می‌دهد.

الف. روایات مذمت غیرت‌ورزی زنان

روایاتی هستند که غیرت را در مردان مطلوب و در زنان نامطلوب می‌داند. شش روایت در این

زمینه وارد شده است که سند همگی ضعیف است، از این رو، پس از اشاره به این احادیث و سند آنها (بدون توضیح ذیل هر حدیث)، قدر مشترک و دلالت مجموع آنها مورد توجه قرار خواهد گرفت:

۱. مرسله عثمان بن عیسی؛ «عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: لَيْسَ الْغَيْرَةُ إِلَّا لِلرِّجَالِ وَ أَمَّا النِّسَاءُ فَإِنَّمَا ذَلِكَ مِنْهُنَّ حَسَدٌ وَ الْغَيْرَةُ لِلرِّجَالِ وَ لِذَلِكَ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَى النِّسَاءِ إِلَّا زَوْجَهَا وَ أَحَلَ لِلرِّجَالِ أَرْبَعًا وَ إِنَّ اللَّهَ أَكْرَمُ أَنْ يَنْتَلِيَهُنَّ بِالْغَيْرَةِ وَ يَحِلَّ لِلرِّجَالِ مَعَهَا ثَلَاثًا» (کلینی، ج ۵، ۱۳۶۵: ۵۰۴-۵۰۵).
روایت مرسله (بعض اصحابه) و ضعیف است.

۲. روایت سعد بن جلاب؛ «عَنْهُ (أحمد بن محمد بن خالد) عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضِيلِ عَنْ سَعْدِ بْنِ الْجَلَابِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَمْ يَجْعَلِ الْغَيْرَةَ لِلنِّسَاءِ وَ إِنَّمَا تَغَارُ الْمُنْكَرَاتُ مِنْهُنَّ فَأَمَّا الْمُؤْمِنَاتُ فَلَا إِنَّمَا جَعَلَ اللَّهُ الْغَيْرَةَ لِلرِّجَالِ لِأَنَّهُ أَحَلَّ لِلرِّجَالِ أَرْبَعًا وَ مَا مَلَكَ يَمِينُهُ وَ لَمْ يَجْعَلِ لِلْمَرْأَةِ إِلَّا زَوْجَهَا فَإِذَا أَرَادَتْ مَعَهُ غَيْرَهُ كَانَتْ عِنْدَ اللَّهِ زَانِيَةً» (کلینی، ج ۵، ۱۳۶۵: ۵۰۵). سند روایت به دلیل «محمد بن علی ابوسمینه» (کشی، ۱۳۴۸: ۵۴۶) و «محمد بن فضیل صیرفی» (طوسی، ۱۳۸۱: ۳۴۳ و ۳۶۵؛ موسوی خویی، ۱۳۶۹: ۱۳۷/۱۴۸) و فقدان توثیق «سعد بن جلاب» ضعیف است.

۳. مرحوم کلینی در ادامه روایت پیشین، به روایت ابی بکر حضرمی نیز، چنین اشاره دارد: «قَالَ وَ رَوَاهُ الْقَاسِمُ بْنُ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ أَبِي بَكْرِ الْحَضْرَمِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِلَّا أَنَّهُ قَالَ: «فَإِنْ بَعَثَ مَعَهُ غَيْرَهُ» (کلینی، ج ۵، ۱۳۶۵: ۵۰۵).

سند این حدیث هم، به دلیل «قاسم بن یحیی بن حسن بن راشد» (حلی، ۱۴۱۱: ۲۴۸) و جدش «حسن بن راشد مولی بنی العباس» (ابن غضنری، ۱۳۶۴: ۴۹/۱) ضعیف است.

۴. مرفوعه عبدالرحمن بن حجاج؛ «عَلَى بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَادَانَ جَمِيعًا عَنِ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ رَفَعَهُ قَالَ: بَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله قَاعِدٌ إِذْ جَاءَتْ امْرَأَةٌ عَرِيَانَةٌ حَتَّى قَامَتْ بَيْنَ يَدَيْهِ فَقَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنِّي فَجَرْتُ فَطَهَّرْنِي قَالَ وَ جَاءَ رَجُلٌ يَعُدُّ فِي أَثَرِهَا وَ أَلْقَى عَلَيْهَا ثُوبًا فَقَالَ مَا هِيَ مِنْكَ فَقَالَ صَاحِبَتِي يَا رَسُولَ اللَّهِ حَلَوْتُ بِجَارِيَتِي فَصَنَعَتْ مَا تَرَى فَقَالَ صَمَّهَا إِلَيْكَ ثُمَّ قَالَ إِنَّ الْغَيْرَاءَ لَا تُبْصِرُ أَعْلَى الْوَادِي مِنْ أَسْفَلِهِ» (کلینی، ج ۵، ۱۳۶۵: ۵۰۵). روایت، مرفوعه (رَفَعَهُ) و ضعیف است.

۵. مرسله جابر؛ «عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ يَوْسُفَ بْنِ حَمَّادٍ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ جَابِرٍ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام: غَيْرَةُ النَّسَاءِ الْحَسَدُ وَالْحَسَدُ هُوَ أَصْلُ الْكُفْرِ إِنَّ النَّسَاءَ إِذَا عَزْنَ غَضِبْنَ وَإِذَا غَضِبْنَ كَفَرْنَ إِلَّا الْمُسْلِمَاتُ مِنْهُنَّ» (همان). روایت مرسله (مَنْ ذَكَرَهُ) و ضعیف است.

۶. روایت خالد قلانسی؛ «عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ خَالِدِ الْقَلَانِسِيِّ قَالَ: ذَكَرَ رَجُلٌ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام امْرَأَتَهُ فَأَحْسَنَ عَلَيْهَا الشَّاءَ فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: أَغْرَتْهَا قَالَ لَا قَالَ فَأَغْرَهَا فَأَغَارَهَا فَتَبَّتْ فَقَالَ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِنِّي قَدْ أَغْرْتُهَا فَتَبَّتْ فَقَالَ هِيَ كَمَا تَقُولُ» (همان). در وثاقت «محمد بن سنان زاهری» اختلاف نظر است (کشی، ۱۳۴۸: ۵۰۸، ۵۴۶، ۵۸۲؛ نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۲۸). مرحوم خوئی پس از نقل توثیق‌ها و تضعیف‌ها، سرانجام، عمل به روایت وی را صحیح نمی‌داند (موسوی خوئی، ۱۶، ۱۳۶۹: ۱۶۱).

شش روایت در این زمینه ذکر شد. با توجه به ضعف سند همگی، فقط به قدر مشترک آن‌ها می‌توان تمسک کرد و آن عدم مطلوبیت غیرت زن در خصوص مساله تعدد همسر شوهرش و رابطه جنسی شوهر با همسران دیگرش است. پس مطلق غیرت، از سوی زن نامطلوب نبوده و خصوص غیرت در مسایل ذکر شده، مذموم است. اگر زنی به دلیل اموری مانند رابطه نامشروع شوهرش با زن دیگر، غیرت به خرج دهد، نامطلوب نیست. یا اگر زنی نسبت به دختر و خواهر و مادر و... در تعامل نامشروع با مردان نامحرم غیرت به خرج دهد، نامطلوب نیست. هم چنین است غیرت نسبت به دین و مملکت و ناموس و... که این چنین غیرت‌هایی از سوی زنان نه تنها نامطلوب نیست، بلکه ممدوح نیز، بوده و مشمول ادله عام نیکی غیرت است.

اصل مطلوبیت غیرت برای مردان و عدم مطلوبیت غیرت برای زنان در موارد ذکر شده، مفاد مشترک روایات ذکر شده است که افزون بر اثبات اصل تفاوت ارزش‌های خاص برای زن و مرد، به عنوان محتوای آموزش جنسی نیز، مورد توجه قرار می‌گیرد. بهتر است ارائه این محتوا قبل و بعد از ازدواج صورت بگیرد.

تعارض روایات ذکر شده با صحیحہ اسحاق بن عمار

در مقابل روایات ذکر شده، در صحیحہ اسحاق بن عمار عبارتی آمده است که امکان توهم

تعارض بین این روایت و روایات پیشین وجود دارد: «أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام الْمَرْأَةُ تَغَارُّ عَلَى الرَّجُلِ تُؤْذِيهِ قَالَ: «ذَلِكَ مِنَ الْحُبِّ» (کلینی، ج ۵، ۱۳۶۵: ۵۰۵-۵۰۶).

«ابوعلی اشعری» (نجاشی، ۱۳۶۵: ۹۲؛ طوسی، بی تا: ۶۴)، «محمد بن عبدالجبار قمی» (طوسی، ۱۳۸۱: ۳۹۱ و ۴۰۱)، «صفوان بن یحیی بجلی» (طوسی، ۱۳۸۱: ۳۳۸ و ۳۵۹) «اسحاق بن عمار بن حیان صیرفی» (نجاشی، ۱۳۶۵: ۷۱) همگی امامی و ثقة هستند.

در این روایت، بر خلاف روایات پیشین، غیرت زن نسبت به همسرش نهی نشده، بلکه نشانه محبت زن نسبت به همسرش تلقی شده است. اما این امر، بر تایید این کار توسط امام علیه السلام دلالت ندارد، تا با روایات قبلی تعارض داشته باشد، چراکه به قضیه حقیقیه اشاره شده که به حکم جواز این فعل زن، دلالت ندارد. در واقع، امام علیه السلام به یکی از دلایل های چنین غیرتی می پردازد که همیشه به غیرت زن به دید منفی نگاه نشود؛ زیرا، از خاستگاه های روانی آن، دوست داشتن مرد از سوی زن نیز هست. چنین نگاه باعث زیاد شدن تحمل مرد نسبت به اذیت های حاصل از چنین غیرتی می شود. از این رو، این روایت با روایات پیشین تعارضی ندارد و تایید چنین غیرت و اذیت از سوی زن نیست. به عبارت دیگر: خاستگاه غیرت زن به مرد، دلایل متعددی دارد که از آن جمله حسد و یا دوست داشتن مرد است. از این رو، در اختلاف هایی که از این غیرت در همسران ایجاد می شود، باید نخست خاستگاه این غیرت از سوی مرد و زن و مشاور و... بررسی شود. این صحیحه، به یکی از خاستگاه های محتمل اشاره دارد که «محبت زن نسبت به مرد» است. این خاستگاه با این که به خودی خود مطلوب است و در ادله فراوانی محبت زن به مرد و مرد به زن و محبت آن دو نسبت به هم دیگر مورد مدح قرار گرفته است (روم: ۲۱)، اما همین امر مطلوب می تواند اثرات نامطلوبی نیز، داشته باشد که از آن جمله غیرت ذکر شده نسبت به مرد است.

در مورد «تعدد زوجات» بحث های زیادی از سوی موافقان و مخالفان انجام شده که مجال تفصیل آن در این پژوهش نیست، اما اصل حکم تعدد زوجات با رعایت شرایط آن، اباحه است (شکوهی و ابراهیمی، ۱۳۹۹: ۱۴۴-۱۶۰). در مجموع، آنچه در آموزش جنسی می توان از مجموع

روایات ذکر شده به دست آورد، این است که «غیرت» با قیود ذکر شده یکی از محتوای آموزش مربوط به جنسیت است که هم اصل این مساله اثبات می‌شود که آموزش جنسیتی وجود دارد و هم به عنوان یکی از محتوای آموزش جنسی بعد از ازدواج یا هنگام آن است.

ب. روایات نهی غیرت بی‌جا از سوی مردان

تا کنون روایاتی که غیرت را در موارد خاص برای زنان مورد مذمت قرار می‌دهند، مورد بررسی واقع شد. در طرف دیگر، روایاتی هم هست که نهی از غیرت بی‌جا از سوی مردان دارند. با این‌که در اسلام غیرت، به خصوص از سوی مرد، بسیار مورد تحسین است، اما در عین حال، غیرت بی‌جا را هم مضر دانسته است.

در صحیحۀ ابن‌دراج آمده است: «عَنْ عَلِيٍّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: «لَا غَيْرَةَ فِي الْحَلَالِ» (کلینی، ج ۵، ۱۳۶۵: ۵۳۷-۵۳۸). (علی بن ابراهیم بن هاشم قمی) (کشی، ۱۳۴۸: ۲۶۰؛ حلی، ۱۴۱۱: ۱۰۰)، «ابراهیم بن هاشم قمی» (موسوی خویی، ۱۳۶۹: ۳۱۸/۱ و ۳۱۹)، «محمد بن ابی‌عمیر زیاد» (کشی، ۱۳۴۸: ۵۵۶ و ۵۹۰؛ نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۲۷) و «جمیل بن دراج» (کشی، ۱۳۴۸: ۳۷۵) همگی امامی و ثقه هستند و سند روایت صحیحۀ است.

در این روایت، غیرت را در امور حلال روا نمی‌داند. یعنی در مواقعی که از لحاظ دینی حلال است، غیرت‌ورزیدن در آن موارد مطلوب نیست. به طور مثال در مواردی که مراد زن و مرد حلال است، غیرت‌ورزیدن مطلوب نیست.

در روایت دیگری نیز، آمده است: «أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ عَبَّاسَةَ عَنْ عَبَادَةَ بْنِ زِيَادٍ الْأَسَدِيِّ عَنْ عَمْرِو بْنِ أَبِي الْمِقْدَامِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام وَأَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْعَاصِمِيِّ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَسَّانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ كَثِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام كَتَبَ فِي رِسَالَتِهِ إِلَى الْحَسَنِ عليه السلام: «إِيَاكَ وَالتَّغَايِرَ فِي غَيْرِ مَوْضِعِ الْغَيْرَةِ فَإِنَّ ذَلِكَ يَدْعُو الصَّحِيحَةَ مِنْهُنَّ إِلَى السَّقَمِ وَ لَكِنْ أَحْكَمُ أَمْرُهُنَّ فَإِنَّ رَأْيَتَ عَيْبًا فَعَجَّلِ النَّكِيرَ عَلَى الصَّغِيرِ وَ الْكَبِيرِ فَإِنَّ تَعَيَّنَتْ مِنْهُنَّ الرَّيْبَ فَيَعْظُمُ الدَّنْبُ وَ يَهْوُنُ الْعُتْبُ» (کلینی، ج ۵، ۱۳۶۵: ۵۳۷).

سند روایت از دو طریق نقل شده است که هر دو طریق ضعیف است. درباره «جعفر بن عنبسه» و «عباده بن زیاد اسدی» توثیقی وارد نشده است. هم چنین «علی بن حسان هاشمی» (کشی، ۱۳۴۸: ۴۵۲؛ نجاشی، ۱۳۶۵: ۲۵۱) و «عبد الرحمن بن کثیر هاشمی» (نجاشی، ۱۳۶۵: ۲۳۵) هم تضعیف شده‌اند.

اما از حیث دلالی، بر ترک غیرت بی جا دلالت دارد. البته در عین حال، نسبت به زن در صورت احراز بدی و منکر از سوی او نیز، بر «محکم کاری» تاکید شده است. ممکن است که از محکم کاری (فَعَجَّلِ النَّكِيْرَ) چنین برداشت شود که با خشونت برخورد شود. برای دفع این توهم، بلافاصله در ادامه حدیث به این نکته اشاره دارد که تعجیل در محکم کاری به معنای مجازات نیست، که در این صورت به بزرگ جلوه دادن بیش از حد گناه و عدم فرصت برای عذرخواهی از سوی زن منجر می شود و این امر نیز، مطلوب نیست. گویی در یک روایت با عبارتهای پشت سر هم از افراط و تفریط و سو برداشت جلوگیری شده است.

در واقع، دو روایت فوق، بر این مطلب دلالت دارد که در عین مطلوب بودن غیرت، نباید افراط و تفریط در آن صورت گیرد. اما از حیث دلالی، غیرت برای مرد، نوعی آموزش بوده و به عنوان محتوای آموزش مربوط به جنسیت او به شمار می رود. با توجه به ضعف سند هر دو روایت و عدم تواتر، نمی توان حکم فقهی از آن استخراج کرد.

۳. حکم آموزش سوره های خاص به زنان یا مردان

احادیثی وجود دارد که نسبت به تعلیم برخی سوره ها به زنان توصیه کرده و از تعلیم برخی دیگر نهی می کنند. در موثقه سکونی آمده است: «رَوَى إِسْمَاعِيلُ بْنُ أَبِي زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: لَا تُنْزِلُوا نِسَاءَكُمْ الْغُرْفَ وَلَا تَعْلَمُوهُنَّ الْكِتَابَةَ وَلَا تَعْلَمُوهُنَّ سُورَةَ يُوسُفَ وَ عِلْمُوهُنَّ الْمِغْزَلَ وَ سُورَةَ التُّورِ» (صدوق، ج ۳، ۱۴۱۳: ۴۴۲). در کافی، در موثقه دیگر سکونی نیز، به تعلیم سوره نور سفارش شده است، اما «عدم تعلیم سوره یوسف» در آن نیامده است (همان). در خصال صدوق نیز، در روایت غیر موثق جابر بن یزید جعفری، تعلیم سوره یوسف با تعبیر کراهت آمده است (صدوق، ج ۲، ۱۴۰۳: ۵۸۵-۵۸۶). چنان که ملاحظه شد، روایات ذکر شده در مورد مطلق تعلّم زنان نیست و این امر به صورت

کلی نه تنها مورد نهی نیست، بلکه مطلوب نیز، هست (صفری، ۱۳۸۱)، بلکه به تعلیم و تعلّم خاص اشاره دارد.

شیخ مفید (مفید، ۱۴۱۳: ۵۶) و شیخ حر عاملی (حر عاملی، ج ۳، ۱۴۱۲: ۶۶). با توجه به این روایات، یادگیری سوره یوسف از سوی زنان، مکروه دانسته‌اند. ابن سعید حلی، به مطلوبیت تعلیم سوره نور و عدم مطلوبیت تعلیم سوره یوسف نسبت به دختر فتوا داده است (حلی، ۱۴۰۵: ۴۶۲). از سوی دیگر، برخی از فقها روایات ذکر شده را مطلق ندانسته و در مواردی جاری می‌دانند که خطر داشته (حسینی شیرازی، ج ۱، ۱۴۰۷: ۹۴) و در معرض فتنه (حسینی شیرازی، ۱۳۸۵: ۲۶) باشد. برخی این روایات را، مختص به یک مقطع زمانی و محیط مردسالارانه عرب صدر اسلام دانسته‌اند (شرفی و دهقانی، ۱۳۹۶: پیاپی ۷). البته به نظر می‌رسد، این اختصاص درست نیست و حداقل ملاک آن، نه تنها در عصر حاضر نیز، جریان دارد، حتی می‌توان به ملاک آن، یعنی منع از تعلیم مسایلی که تحریک جنسی را به دنبال دارد، حکم کرد. در واقع، مناط این سوره احتمال تحریک جنسی برخی زنان است و اگر در مورد زن یا زنان خاصی این تحریک جریان نداشته باشد، کراهت تعلیم آن در همان زمان و در کلیه زمان‌ها جاری نیست. از سوی دیگر، ارائه برخی آموزه‌های جنسی برای هر شخصی اعم از مرد و زن، باعث تحریک او شود، ناشایست است. با این توضیح، زنان و سوره یوسف به عنوان مصداقی در آن زمان مورد توجه است، اما این طور نیست که منحصر در آن زمان باشد، بلکه اگر در زمان یا افراد خاصی مناط ذکر شده جریان داشته باشد، حکم ذکر شده نیز، جاری است و حتی تعلیم و تعلّم خود سوره یوسف نیز، در این فرض موضوعیت پیدا می‌کند.

عدم آموزش و یادگیری سوره یوسف موضوعیتی ندارد. عدم آموزش آن به دلیل مسایلی مانند احتمال تحریک و کنجکاوی و انحرافات جنسی برای زنان است. از همین رو است که مجلسی اول آورده: «لعلّ عدم تعلیم سورة یوسف و تعلیم سورة النور مختصان بالعرب، و بمن یعرف معانیهما» (مجلسی، ج ۸، ۱۴۰۶: ۳۷۶). در این صورت اگر کسی معانی سوره یوسف را نداند، منع تعلیم و تعلّم این سوره جاری نیست. مجلسی دوم نیز، آورده است: «و الأمر بتعلیم سورة النور لما فیها من الترغیب الی سترهن و عفافهن و ما یجری هذا المجری، و النهی عن تعلیم

سورة يوسف لما فيها من ذكر تعشقهن و حبهن للرجال» (مجلسی، ج ۲۱، ۱۴۰۴: ۸۶). عبارت «و ما یجری هذا المجرى» از سوی مجلسی دوم، دلالت بر تعمیم موارد دارد و هر آنچه که باعث عفاف زنان شود، رجحان داشته و در طرف دیگر قضیه، هر آنچه باعث تحریک جنسی و عشقی نامشروع شود، مذموم است.

در خود مرفوعه یعقوب ابن سالم نیز، در تعلیل عدم تعلیم و قرائت سوره یوسف برای زنان آمده است: «... فَإِنَّ فِيهَا الْفِتْنَةَ...» (کلینی، ج ۵، ۱۳۶۵: ۵۱۶). و در روایت ابن مسکان هم در تعلیل تعلیم سوره نور به عفت خود افراد و زنانشان و پیش گیری از ابتلای به زنا اشاره شده است (صدوق، ۱۴۰۶: ۱۰۹). در موثقه سکونی حتی از تعلیم نوشتن به زنان نیز، نهی شده است (کلینی، ج ۵، ۱۳۶۵: ۵۱۶). این امر نیز، موضوعیتی نداشته و منع آموزش نوشتن، زمانی است که نوشتن وسیله انحراف جنسی یا زمینه گناه دیگری از سوی زن شود. در غیر این صورت نه تنها مورد نهی نیست، بلکه نیکو نیز هست. چنان که مجلسی اول در ذیل این روایت آورده است: «لأنهن إذا علمن یکتبن بالمطالب إلى من لایرضی به الزوج و الأقرباء و یخاف من الافتتان بخطوطهن أو تعبدًا» (مجلسی، ج ۲، ۱۴۰۶: ۴۷۹). در جای دیگر آورده است: «و لاتعلموهن الكتابة» أى الخط فإنه یمکن أن یکتبن إلى الأجانب مع أن خطهن من العورة و كلما کن إلى الستر أقرب کان أولى» (همان، ج ۸، ۳۷۵). برخی این کراهت را فقط در مواردی جاری می دانند که خطر داشته باشد (حسینی شیرازی، ج ۹۴ و ۲، ۱۴۰۷: ۷۲) و در معرض فتنه (حسینی شیرازی، ۱۳۸۵: ۲۶) باشد. جعفریان در فلسفه این حکم و دستور، به این احتمال اشاره کرده که: «سواد داشتن زن، وسیله و زمینه مہیایی است برای آن که اشخاص ناپاک می توانند به وسیله مکاتبه او را بفریبند و به دام خیانت خود بیندازند؛ و البته با نداشتن سواد از این راه خطر دور می ماند» (جعفریان، ۱۴۲۸: ۶۵۱/۱).

چنان که ملاحظه می شود، این حکم مشروط به شرایطی است که چه بسا در آن زمان جاری بوده و زنان کمی که نوشتن و خواندن بلد بودند، چندین برابر در معرض سو استفاده هوس بازان قرار می گرفتند. در هر زمان و مکان دیگری نیز، اگر این امر جاری باشد، حکم نیز، جاری است. در غیر این صورت، حکم حتی در آن زمان نیز، جاری نیست.

اما آنچه به بحث حاضر مربوط است، اصل جریان برخی آموزه ها نسبت به جنسیت خاص

است. با این توضیح که: در روایات ذکر شده با این که در اصل مساله، جنسیت دخیل نیست و اگر خواندن سوره خاصی و یا متن خاص دیگری توسط مرد هم منجر به گناه شود، مورد نهی خواهد بود، اما بر اصل این مساله دلالت دارند که آموزه‌های خاصی برای جنسیت خاص خوب یا بد است که همان حکم در جنسیت دیگر جریان ندارد. در زمان نزول روایات این اثرگذاری در جنسیت خاص مورد توجه بوده و از آن نهی شده است. نهی بر اصل این مساله هم دخالت دارد که آموزش خاص برای جنسیت خاص می‌تواند مورد نهی باشد. در واقع، گاهی آموزه خاصی برای جنسیت خاصی مورد امر یا نهی واقع می‌شود، چون احتمال تاثیرگذاری در آن جنس بیشتر است. از این رو، اصل تفاوت آموزه‌ها نسبت به جنسیت، مفاد ادله ذکر شده است. هم‌چنین یکی از آموزه‌های جنسیتی برای زنان، مسایل مربوط به عفاف است که در سوره نور در خصوص زنان زیاد بدان تاکید شده است. از سوی دیگر آموزه‌هایی که به تحریک جنسی منجر شود، شایسته نیست.

به عبارت دیگر، از روایات، ادله و توضیحات ذکر شده می‌توان به اصل آموزه‌های مرتبط با جنسیت فرد پی برد و هر آن چه را که در نقش‌های جنسیتی فرد باعث سعادت متعلم شده، راجح دانست. مصداق نقش‌های جنسیتی در جوامع و زمان‌های مختلف متفاوت است، اما اصل رجحان آموزش این نقش‌ها جریان دارد. هر چند نقش‌های خاص فراگیر در همه زمان‌ها و مکان‌ها وجود ندارد. به طور مثال: عدم آموزش نوشتن در دوران خاص صدور روایت مفاسدی را در پی داشته و نهی شده است. اما در عصر حاضر، الزاماً بدان منحصر نیست و حکم عدم آموزش نیز، به طور مطلق، جریان ندارد. هم‌چنین عدم تعلیم سوره خاص منوط به شرایط آن است. یعنی تاثیر منفی جنسی و گناه، بوده و در صورت عدم تاثیر، کراهت تعلیم جریان ندارد. چنان که کراهت یا حرمت تعلیم در موارد دیگر نیز، در صورت تاثیر منفی، جریان دارد و این امر منحصر در تعلیم سوره یوسف نیست.

۴. منع تشبه زنان و مردان به هم دیگر

چهار روایت در زمینه منع تشبه به جنس مخالف وارد شده است. بنا به رعایت اختصار، تنها به توضیح یک روایت بسنده می‌شود. برای دریافت بقیه روایات به منابع مراجعه شود (صدوق، ج ۲، ۱۳۸۶: ۶۰۲؛ کلینی، ۱۳۶۵: ۷۱/۸).

در موثقه زید بن علی آمده است: «أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو جَعْفَرٍ أَحْمَدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي الْجَوْزَاءِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلْوَانَ عَنْ عَمْرِو بْنِ خَالِدٍ عَنْ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ أَنَّهُ رَأَى رَجُلًا بِهِ تَأْنِيثٌ فِي مَسْجِدِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَقَالَ لَهُ: أَخْرُجْ مِنْ مَسْجِدِ رَسُولِ اللَّهِ يَا مَنْ لَعَنَهُ رَسُولُ اللَّهِ ثُمَّ قَالَ عَلِيُّ ﷺ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ لَعَنَ اللَّهُ الْمُتَشَبِّهِينَ مِنَ الرِّجَالِ بِالنِّسَاءِ وَ الْمُتَشَبِّهَاتِ مِنَ النِّسَاءِ بِالرِّجَالِ» (صدوق، ج ۲، ۱۳۸۶: ۶۰۲).

پدر شیخ صدوق «علی بن حسین بن بابویه» (نجاشی، ۱۳۶۵: ۲۶۲)، «محمد بن یحیی» (عطار) (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۵۳)، «محمد بن احمد بن یحیی» (همان: ۳۴۸)، «احمد بن محمد بن خالد برقی» (نجاشی، ۱۳۶۵: ۷۷)، «منبه بن عبدالله أبو الجوزاء» (حلی، ۱۴۱۱: ۱۷۳)، «حسین بن علوان کلبی» (نجاشی، ۱۳۶۵: ۵۲)، «عمرو بن خالد واسطی» (کشی، ۱۳۴۸: ۲۳۲) و «زید بن علی» (موسوی خویی، ج ۷، ۱۳۶۹: ۳۵۷) همگی ثقه هستند.

در این موثقه، مردان زن مانند و زنان مردمانند مورد لعن خداوند شمرده شده اند. تمسک حضرت علی علیه السلام به فرموده رسول خدا صلی الله علیه و آله از یک سو و عتاب شدید کسی که چنین وارد مسجد شده بود از سوی دیگر، بر حرمت مؤکد این کار دلالت دارد؛ تا جایی که حضرت حتی امر به خروج آن شخص از مسجد هم فرمودند که تأکیدی دیگر بر پلیدی این کار، دانسته شده است.

۵. انحصار مطلوبیت برخی صفات برای جنسیت خاص

ادله ای وجود دارد که برخی صفات را برای زنان نامطلوب و برای مردان مطلوب می داند. یا این که برای مردان نامطلوب و برای زنان مطلوب می شمارد:

۵/۱. تحسین غیرت مردان و نامطلوب بودن برای زنان

روایاتی در مورد تحسین غیرت برای مردان و عدم مطلوبیت آن در برخی مواقع برای زنان دلالت دارد، که توضیح آن ها گذشت و قدر مشترک آن ها عدم مطلوبیت غیرت زن در مساله تعدد همسر شوهرش و رابطه جنسی شوهر با همسران دیگرش است. هم چنین غیرت افراطی از سوی مرد نکوهش شده است. از این روایات انحصار مطلوبیت برخی صفات برای جنسیت خاص نیز، استفاده می شود.

۲/۵. روایت امیرالمؤمنین علیه السلام

روایت دیگری که به مطلوبیت برخی صفات در جنسیت خاص و عدم مطلوبیت آن در جنسیت دیگر دلالت دارد: قَالَ عَلِيُّ عليه السلام: «خِيَارُ خِصَالِ النِّسَاءِ شِرَارُ خِصَالِ الرِّجَالِ الرَّهْوُ وَ الْجُبْنُ وَ الْبُخْلُ فَإِذَا كَانَتِ الْمَرْأَةُ مَرْهُوَّةً لَمْ تُمْكِنْ مِنْ نَفْسِهَا وَإِذَا كَانَتْ بِخَيْلَةً حَفِظَتْ مَالَهَا وَ مَالَ بَعْلِهَا وَإِذَا كَانَتْ جَبَانَةً فَرَقَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ يَعْرِضُ لَهَا» (نهج البلاغه: ۵۱۰-۵۱۱).

این روایت مرفوعه و سند آن ضعیف است. اما از حیث دلالتی، بر استحسان تکبر، ترس و بخل زن دلالت دارد، صفت‌هایی که در مرد مذموم هستند. البته با توجه به ادامه روایت، هر تکبر، ترس و بخلی از سوی مورد تحسین نیست. بلکه تکبر در تعامل غیر شرعی با نامحرم و بخل در رابطه با حفظ اموال خود و شوهر و ترس از چیزهای آسیب‌رسان به زن. از این رو، نمی‌توان هر کبر، ترس و بخلی را از سوی زن مرجوح دانست. به‌طور مثال، کبر زن در برابر زن دیگر یا محارم خود، مذموم است و مشمول ادله مذمت مطلق کبر است. یا اگر زنی برای دفاع از خود و ناموس خود یا دیگری، بر ترس غلبه کرده و حتی با دشمن یا هر شخص دیگری که قصد تجاوز دارد، به مبارزه برخیزد، این امر نه تنها مذموم نیست، بلکه مورد تحسین نیز هست. از این رو، به مطلق نیکو بودن این صفات در زنان در همه موارد نمی‌توان تمسک کرد.

اما در آموزش جنسی، برخی صفات برای زنان در برخی مواقع ممدوح هست، در حالی که آن صفات برای مردان در همان مواقع، مذموم است و از حیث دلالتی به اصل تفاوت جنسیتی و به تبع آن، ممدوح بودن آموزش مرتبط با ضمیمه قاعده «اعانه بر بر» دلالت می‌کند. به این معنا که آموزش جنسیتی مرتبط نیز، نوعی کمک به نیکویی بوده و ممدوح است.

۶. شهوت و حیا در زنان و مردان

در برخی روایات نیز، به زیاد بودن شهوت زنان نسبت به مردان و زیاد بودن حیای زنان دلالت دارد. این دسته از روایات به‌عنوان محتوای آموزش جنسی بعد از ازدواج می‌تواند مورد توجه باشد. علاوه بر آن، به اصل این مساله که تفاوت جنسیتی در آموزش جنسی مؤثر است، دلالت دارد. در واقع، از این دسته ادله نیز، تفاوت‌های جنسیتی و به تبع آن آموزه‌های مرتبط استخراج می‌شود. این روایات به‌قرار زیر هستند:

۶/۱. صحیحہ اسحاق بن عمار

«عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ لِلْمَرْأَةِ صَبْرَ عَشْرَةِ رِجَالٍ فَإِذَا هَاجَتْ كَانَتْ لَهَا قُوَّةُ شَهْوَةِ عَشْرَةِ رِجَالٍ» (کلینی، ج ۵، ۱۳۶۵: ۳۳۸). «احمد بن محمد بن خالد برقی» (نجاشی، ۱۳۶۵: ۷۷)، «احمد بن محمد بن ابی نصر بن زنی» (طوسی، ۱۳۸۱: ۳۳۲ و ۳۵۱) و «اسحاق بن عمار صیرفی» (نجاشی، ۱۳۶۵: ۷۱) همگی امامی و ثقه هستند. عبارت «عمّن» حدیثی است که چون از بن زنی نقل شده است، به ارسال حدیث دلالت ندارد؛ زیرا، ایشان از اصحاب اجماع بوده و از غیر ثقه نقل و ارسال نمی کنند (طوسی، ج ۱، ۱۴۱۷: ۱۵۴). در این صحیحہ، شهوت و صبر زن، ده برابر بیشتر از مردان دانسته شده است.

۶/۲. صحیحہ ضریس

«أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ ضُرَيْسٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ: أَنَّ النَّسَاءَ أُعْطِينَ بُضْعَ اثْنَيْ عَشَرَ وَ صَبْرَ اثْنَيْ عَشَرَ» (کلینی، ج ۵، ۱۳۶۵: ۳۳۹). «احمد بن محمد بن عیسی اشعری» (نجاشی، ۱۳۶۵: ۵۹ و ۸۳)، «علی بن حکم انباری» (طوسی، بی تا: ۲۶۴؛ حلی، ۱۴۱۱: ۹۳)، «ضریس بن عبد الملک بن أعین» (کشی، ۱۳۴۸: ۳۱۴) همگی امامی و ثقه هستند. در این صحیحہ شهوت و صبر زنان دوازده برابر شهوت و صبر عادی شمرده شده است. در روایت مشابه دیگری نیز، همین عبارت آمده است (کلینی، ج ۵، ۱۳۶۵: ۳۳۹).

۶/۳. موثقه اصبع بن نباتة

«عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلْوَانَ عَنْ سَعْدِ بْنِ طَرِيفٍ عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ: خَلَقَ اللَّهُ الشَّهْوَةَ عَشْرَةَ أَجْزَاءٍ فَجَعَلَ تِسْعَةَ أَجْزَاءٍ فِي النَّسَاءِ وَ جُزْءًا وَاحِدًا فِي الرِّجَالِ وَ لَوْ لَا مَا جَعَلَ اللَّهُ فِيهِنَّ مِنَ الْحَيَاءِ عَلَى قَدْرِ أَجْزَاءِ الشَّهْوَةِ لَكَانَ لِكُلِّ رَجُلٍ تِسْعُ نِسْوَةٍ مُتَعَلِّقَاتٍ بِهِ» (کلینی، ج ۵، ۱۳۶۵: ۳۳۸). «احمد بن محمد بن عیسی اشعری» (نجاشی، ۱۳۶۵: ۸۳)، «حسین بن سعید اهوازی» (طوسی، ۱۳۸۱: ۳۵۵)، «حسین بن علوان کلبی» (موسوی خویی، ۱۳۶۹: ۳۲/۶)، «سعد

بن طریف» (طوسی، ۱۳۸۱: ۱۱۵) و «اصبغ بن نباتة» (حلی، ۱۴۱۱: ۲۴) همگی ثقة هستند. در این موثقه، شهوت زنان و نیز، حیای آنان نه برابر مردان برشمرده شده است.

۶/۴. موثقه مسعدة بن صدقة

«عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بِنِ صَدَقَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ لِلْمَرْأَةِ أَنْ تَصْبِرَ صَبْرَ عَشْرَةِ رِجَالٍ فَإِذَا حَصَلَتْ زَادَهَا قُوَّةَ عَشْرَةِ رِجَالٍ» (کلینی، ج ۵، ۱۳۶۵: ۳۳۹). «علی بن ابراهیم بن هاشم قمی» (کشی، ۱۳۴۸: ۲۶۰)، «هارون بن مسلم بن سعدان» (حلی، ۱۴۱۱: ۱۸۰) و «مسعدة بن صدقة» همگی ثقة هستند. مجلسی اول، مراد از تحصیل (حَصَلَتْ) را «تمییز» می‌داند و با اشاره به واژه‌های دیگر (حملت و اذا احصنت) در برخی دیگر از نسخه‌ها، مراد از آن را ازدواج زن دانسته و به این احتمال هم اشاره دارد که شاید مراد از آن، تحصیل خود صبر با تمرین باشد (مجلسی، ج ۸، ۱۴۰۶: ۵۱۲).

در مجموع، این چهار روایت بر زیاد بودن شهوت زنان نسبت به مردان دلالت می‌کنند که در اموری مثل آموزش روابط جنسی همسران، باید مورد توجه قرار گیرند.

۷. تقسیم کار مردانه و زنانه

تقسیم کار مردانه و زنانه بحث‌های زیادی را به خود اختصاص داده است. در مجموع، اسلام تفاوت‌های زنان و مردان از نظر جسمی و به تبع آن تفاوت در ترجیحات شغلی بین زنان و مردان را می‌پذیرد، ولی این نکته را هم متذکر می‌شود که تفاوت شغل‌های انتخاب شده توسط دو جنس تحت تاثیر شرایط فرهنگی جامعه نیز، قرار دارد (براتی و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۳۹-۱۵۴). اما آنچه به بحث حاضر مربوط است، دلالت این گروه از روایات بر اصل جریان آموزش‌های مرتبط با جنسیت است. این روایات در دو گروه قابل بررسی هستند:

گروه اول: روایاتی که در تقسیم کار، کارهای بیرون از خانه را بر عهده مرد و کارهای درون خانه را بر عهده زن قرار می‌دهد.

گروه دوم: روایاتی که ترغیب به کمک‌کردن مرد در کارهای خانه دارند. ادله این دو گروه در

ادامه خواهد آمد.

الف. تقسیم کار مردانه و زنانه

شش روایت در تقسیم کار مردانه و زنانه به‌قرار زیر هستند:

۱. «السَّيِّدِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِي الْبُخْتَرِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَبِيهِ قَالَ: «تَقَاصَى عَلِيٌّ وَ فَاطِمَةُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فِي الْخِدْمَةِ، فَقَضَى عَلِيٌّ فَاطِمَةَ بِخِدْمَةِ مَا دُونَ انِيزِ، لُبَابٍ، وَ قَضَى عَلِيٌّ عَلِيٌّ مَا خَلْفَهُ. قَالَ: فَقَالَتْ فَاطِمَةُ: فَلَا يَعْلَمُ مَا دَاخَلَنِي مِنَ السُّرُورِ إِلَّا اللَّهُ يَكْفَأُنِي رَسُولُ اللَّهِ ﷺ تَحْمِلَ رِقَابِ الرِّجَالِ» (حر عاملی، ج ۲۰، ۱۴۰۹: ۱۷۲).

سند روایت به‌دلیل «ابی البختری» (حلی، ۱۴۱۱: ۲۶۲) ضعیف است. از حیث دلالتی، بر اصل تقسیم کار بر اساس جنسیت دلالت دارد. هم‌چنین نوعی محتوای آموزش جنسی هنگام ازدواج و پس از آن است. البته این تقسیم به‌معنای وجوب کار خانه بر عهده زن نیست و نیز، دلالت بر عدم هم‌کاری در امور از این روایت برنمی‌آید. به‌منظور ایجاد انگیزه در این تقسیم کار، ثواب‌های اخروی زیادی نیز، در روایات آمده است؛ به‌خصوص آن‌که با توجه به‌امکان خستگی و نارضایتی کار در خانه از سوی زن، برای تشویق ثواب‌های اخروی به‌این امر مترتب شده است که در ادامه می‌آید.

۲. «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: الْمَرْأَةُ الصَّالِحَةُ خَيْرٌ مِنَ أَلْفِ رَجُلٍ غَيْرِ صَالِحٍ وَ أَيْمًا امْرَأَةً خَدَمَتْ زَوْجَهَا سَبْعَةَ أَيَّامٍ غَلَقَ اللَّهُ عَنْهَا سَبْعَةَ أَبْوَابِ النَّارِ وَ فَتَحَ لَهَا ثَمَانِيَةَ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ تَدْخُلُ مِنْ أَيْنَمَا شَاءَتْ» (دیلمی، ج ۱، ۱۳۷۱: ۱۷۵).

روایت مرسله و ضعیف است. اما از حیث دلالتی، با توجه به‌ثواب‌های والایی که ذکر شده است، بر ثواب والای خدمت به‌شوهر دلالت دارد. ذکر این آثار والا، به‌عنوان مشوقی برای تحمل سختی‌های حاصل از چنین خدمتی نیز، باشد. هم‌چنین در کسب لذت از این کار و نگرش تعبّدی به‌مساله و ترتّب ثواب هم مؤثر است.

۳. «قَالَ ﷺ: مَا مِنْ امْرَأَةٍ تَسْقِي زَوْجَهَا شَرْبَةً مِنْ مَاءٍ إِلَّا كَانَ خَيْرًا لَهَا مِنْ عِبَادَةِ سَنَةِ صِيَامٍ نَهَارَهَا وَ قِيَامِ لَيْلِهَا وَ بِنِيِّ اللَّهِ لَهَا بِكُلِّ شَرْبَةٍ تَسْقِي زَوْجَهَا مَدِينَةً فِي الْجَنَّةِ وَ غَفَرَ لَهَا سِتِّينَ خَطِيئَةً» (حر عاملی، ج ۲۰، ۱۴۰۹: ۱۷۲).

این روایت، مرسله و ضعیف است، اما از حیث دلالتی، به‌ثواب بسیار والای خدمت به شوهر از سوی زن دلالت دارد.

۴. «حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنِ الْحَكَمِ بْنِ مِسْكِينٍ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو خَالِدٍ الْكُعْبِيُّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: أَيَّمَا امْرَأَةٍ رَفَعَتْ مِنْ بَيْتِ زَوْجِهَا شَيْئًا مِنْ مَوْضِعٍ إِلَى مَوْضِعٍ تُرِيدُ بِهِ صَلَاحًا نَظَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهَا وَ مَنْ نَظَرَ اللَّهُ إِلَيْهَا لَمْ يَعْذِبْهُ فَقَالَتْ أُمُّ سَلَمَةَ رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ ذَهَبَ الرَّجَالُ بِكُلِّ خَيْرٍ فَأَيُّ شَيْءٍ لِلنِّسَاءِ الْمَسَاكِينِ فَقَالَ ﷺ بَلَى إِذَا حَمَلَتِ الْمَرْأَةُ كَانَتْ بِمَنْزِلَةِ الصَّائِمِ الْقَائِمِ الْمُجَاهِدِ بِنَفْسِهِ وَ مَالِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَإِذَا وَضَعَتْ كَانَ لَهَا مِنَ الْأَجْرِ مَا لَا تَدْرِي مَا هُوَ لِعَظَمِهِ فَإِذَا أَرْضَعَتْ كَانَ لَهَا بِكُلِّ مَصَّةٍ كِعْدَلِ عَتَقٍ مُحَرَّرٍ مِنْ وُلْدِ إِسْمَاعِيلَ فَإِذَا فَرَعَتْ مِنْ رِضَاعِهِ ضَرَبَ مَلَكٌ عَلَى جَنْبِهَا [جَنْبِهَا] وَ قَالَ اسْتَأْنَفَ [اسْتَأْنَفِي] الْعَمَلُ فَقَدْ غُفِرَ لَكَ» (حر عاملی، ج ۲۱، ۱۴۰۹: ۴۵۱).

«ابو خالد کعبی»، توثیق نشده و حتی از مشاهیر روایت هم به شمار نمی‌آید، تا عدم قدح، دلیل بر وثاقت وی باشد. از این رو، سند روایت ضعیف است. اما از حیث دلالتی، بر آثار نیکوی کارهای زنان در خانه‌داری و وضع حمل و شیردهی دلالت دارد.

۵. «عَنِ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ: حَقُّ الرَّجُلِ عَلَى الْمَرْأَةِ إِتَارَةُ السَّرَّاجِ وَ إِضْلَاحُ الطَّعَامِ وَ أَنْ تَسْتَقْبِلَهُ عِنْدَ بَابِ بَيْتِهَا فَتَرْحَّبَ بِهِ وَ أَنْ تُقَدِّمَ إِلَيْهِ الطَّشْتِ وَ الْمِنْدِيلَ وَ أَنْ تُوضِّئَهُ وَ أَنْ لَا تَمْنَعَهُ نَفْسَهَا إِلَّا مِنْ عِلَّةٍ» (طبرسی، ۱۴۱۲: ۲۱۴). این روایت نیز، مرسله و ضعیف است. از حیث دلالتی، با توجه به تعبیر «حق» در غیر موارد و خوب، بر استحباب امور ذکر شده در تعامل زن و مرد دلالت دارد.

۶. صحیح‌ه حلبی: «عَلَى بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ: الْكَادُ عَلَى عِيَالِهِ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (کلینی، ج ۵، ۱۳۶۵: ۸۸).

«علی بن ابراهیم بن هاشم قمی» (کشی، ۱۳۴۸: ۲۶۰)، «ابراهیم بن هاشم قمی» (موسوی خویی، ۱۳۶۹: ۳۱۸/۱ و ۳۱۹)، «محمد بن ابی عمیر زیاده» (کشی، ۱۳۴۸: ۵۵۶ و ۵۹۰) «حماد بن عثمان ناب» (کشی، ۱۳۴۸: ۳۷۲) و «عبیدالله بن علی حلبی» (نجاشی، ۱۳۶۵: ۲۳۱) همگی، امامی و ثقه هستند. این روایت نیز، به نوعی بر کار مرد دلالت دارد. البته درست است که تعبیر «الکاد علی عیالیه» منصرف به کار بیرون از خانه و یا حداقل منصرف به کار غیر خانه‌داری است، اما مفاد این روایت بر تلاش مرد برای کسب روزی است و نسبت به تقسیم کار ساکت است؛ از این رو، نمی‌توان به تقسیم کار زنانه و مردانه تمسک کرد.

روایات زیادی در این زمینه وارد شده است. در دلالت صحیحۀ حلبی بر مدعا، محل تردید بود. سند بقیۀ روایات نیز، ضعیف بودند و به قدر مشترک دلالت آن‌ها می‌توان نظر داد؛ و آن: مطلوبیت تقسیم کار زنانه و مردانه است که کارهای بیرون از خانه بر عهده مرد و کارهای درون خانه و خانه‌داری بر عهده زن باشد. از این رو، از این دسته از روایات می‌توان به اصل مدعایی که جنسیت دخالت داشته و بر طبق آن، آموزش مرتبط با جنسیت رجحان پیدا می‌کند، تمسک کرد. این امور به‌عنوان یکی از محتوای آموزش جنسی هنگام یا بعد از ازدواج است.

ب. روایات مشوق کمک مرد در کارهای خانه

گروهی از روایات نیز، به نیکویی کمک کردن مرد در کارهای خانه دلالت دارند:

۱. صحیحۀ هشام بن سالم: «عَلَى بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَحْتَطِبُ وَ يَسْتَقِي وَ يَكْنُسُ وَ كَانَتْ فَاطِمَةُ سَلَامَ اللَّهُ عَلَيْهَا تَطْحَنُ وَ تَعَجِنُ وَ تَحْبِرُ» (کلینی، ج ۵، ۱۳۶۵: ۸۶). «علی بن ابراهیم بن هاشم قمی» (کشی، ۱۳۴۸: ۲۶۰)، «ابراهیم بن هاشم قمی» (موسوی خویی، ۱۳۶۹: ۱/۳۱۸ و ۳۱۹)، «محمد بن ابی عمیر زیاد» (کشی، ۱۳۴۸: ۵۵۶ و ۵۹۰) و «هشام بن سالم» (نجاشی، ۱۳۶۵: ۴۳۴) همگی امامی و ثقه هستند.

زمانی که سیره اهل بیت علیهم السلام در کلام معصوم دیگری نقل شود، دلالت بر استحباب دارد. از این رو، مشارکت در کارهای خانه که مفاد این روایت است، از این حدیث استفاده می‌شود. با توجه به تعبیر مضارع، استمرار این کار از سوی حضرت علی عليه السلام و حضرت فاطمه زهرا فهمیده می‌شود. دو روایت دیگر نیز، در این زمینه وارد شده است که بر ثواب بسیار والای خدمت به خانواده و کمک در خانه دلالت دارد، بنا بر رعایت اختصار توضیح داده نمی‌شوند (کلینی، ج ۵، ۱۳۶۵: ۸۶)؛ (طبرسی، ۱۴۱۲: ۲۱۴).

رابطه دو گروه از روایات

گروه اول از روایات بر تقسیم کار مردانه و زنانه و سپردن کار خانه به زنان دلالت داشت و گروه دوم از روایات بر حسن کار کردن مرد در خانه دلالت دارند. اکنون جای این سؤال

است که این دو گروه از روایات چه نسبتی با هم دارند؟
 در مورد رابطه دو گروه از روایات ذکر شده چند احتمال وجود دارد:
 احتمال اول؛ تعارض بین روایات: گروه اول بر تقسیم‌بندی کار و گروه دوم بر مشارکت
 دلالت دارند.

احتمال دوم؛ گروه اول بر استحسان تقسیم کار زنانه و مردانه دلالت دارند و گروه دوم از
 روایات با مفروض گرفتن تقسیم کار زنانه و مردانه، بر نیکویی کمک مرد در خانه دلالت دارند.
 در این صورت تعارضی بین دو گروه از روایات نیست. احتمال دوم، قوی‌تر است، چون روایات
 دسته دوم، بر ثواب والای کمک مرد به زن در کارهای خانه دلالت دارند. چنین استجابی با
 فرض قبول تقسیم کار که مفاد گروه اول بود، است.

نتیجه‌گیری

آموزه‌های مرتبط با جنسیت، بخشی از آموزش جنسی را به خود اختصاص می‌دهد. برای
 اثبات اصل آموزش و محتوای آموزه‌های جنسیتی، هفت گروه از ادله اسلامی مورد تحلیل
 محتوایی قرار گرفت. ادله، علاوه بر اثبات جریان آموزش امور جنسیتی در اسلام، محتواهای
 خاص را نیز، مورد توجه قرار می‌داد. عدم برتری جنسیتی در اسلام مورد توجه خاص بوده و
 جنسیت، ملاک برتری نیست. از این رو، برخی ادله، به لزوم رضایت به جنسیت فرد و
 مقتضاهای آن و عدم آرزوی داشته‌های جنس مخالف، تاکید دارند. تحسین برخی آموزه‌ها و
 خصوصیات برای جنسیت خاص، هم‌چنین منع از تشبیه به جنس مخالف و تقسیم کار مردانه
 و زنانه از دیگر گروه روایاتی است که به اصل مساله و محتوای آن دلالت دارد. شمارش برخی
 خصوصیات ذاتی مثل شهوت و حیای بیشتر در جنسیت خاص نیز، بر اصل تفاوت جنسیتی و
 آموزش و محتوای آموزش جنسی دلالت دارند. در مجموع، اسلام علاوه بر ارج نهادن به هر دو
 جنس، برخی خصوصیات و تکالیف جنسیتی را مقتضای تعامل سازگار هر دو جنس دانسته و
 آموزه‌های ذکر شده را برای بهینه‌سازی تعاملات خانوادگی و اجتماعی ضروری می‌داند.

منابع

* قرآن کریم

۱. اعرافی، علی رضا، فقه تربیتی؛ تربیت جنسی، ج ۲۶، تحقیق و نگارش: احمد امامی راد، قم، مؤسسه اشراق و عرفان، ۱۳۹۶ ش.
۲. آریان پور کاشانی، منوچهر، فرهنگ آریان پور، تهران، جهان رایانه امین، سی و نهم، ۱۳۸۷ ش.
۳. بستان، حسین، اسلام و تفاوت های جنسیتی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چهارم، ۱۳۹۶ ش.
۴. تورس، لیس، روزاریو، اماری، جنسیت و توسعه، ترجمه: جواد یوسفیان، تهران، بانو، ۱۳۷۵ ش.
۵. جعفریان، رسول، رسائل حجابیه، قم، دلیل ما، ۱۴۲۸ ق.
۶. حر عاملی، محمد بن حسن، هدایة الأمة إلى أحكام الأئمة علیهم السلام، مشهد، مجمع البحوث الإسلامیة، ۱۴۱۲ ق.
۷. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ اول، ۱۴۰۹ ق.
۸. حسینی شیرازی، سید محمد، الأسئلة والأجوبة - اثنا عشر رسالة، قم، مؤسسه الفکر الاسلامی، ۱۴۰۷ ق.
۹. حسینی شیرازی، سید محمد، المسائل الإسلامیة مع المسائل الحدیثیة، اول، قم، رشید، ۱۳۸۵ ش.
۱۰. حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، الخلاصة، دار الذخائر، قم، ۱۴۱۱ ق.
۱۱. حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، تذکرة الفقهاء، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۳۸۸ ق.
۱۲. حلی، یحیی بن سعید، الجامع للشرائع، قم، مؤسسه سید الشهداء العلمیة، ۱۴۰۵ ق.
۱۳. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران، وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۱ ش.
۱۴. دیلمی، حسن بن محمد، ارشاد القلوب، قم، شریف رضی، ۱۳۷۱ ش.
۱۵. راس، آلن، ا، روان شناسی شخصیت، ترجمه: سیاوش جمال فر، تهران، روان، ۱۳۷۸ ش.
۱۶. سبحانی تبریزی، جعفر، نظام النکاح فی الشریعة الإسلامیة الغراء، قم، مؤسسه امام صادق، ۱۳۷۵ ش.
۱۷. سمرقندی، نصر بن محمد، تفسیر السمرقندی، بیروت، دارالفکر، اول، ۱۴۱۶ ق.
۱۸. شاملو، سعید، بهداشت روانی، تهران، رشد، بیست و دوم، ۱۳۹۰ ش.

۱۹. شولتز، دوان، شولتز، سیدنی، *نظریه‌های شخصیت از نسخه ۱۹۹۸*، ترجمه: یحیی سیدمحمدی، تهران، هما، ۱۳۷۷ش.
۲۰. صابری فتحی، مجید، رسولی، علیرضا، سعیدی رضوانی، محمود و اصغری نکاح، سیدمحسن، *واقعیت آموزش در سند «توسعه پایدار» ۲۰۳۰؛ فلسفه، تضادها و چالش‌ها*، تهران و مشهد، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و پژوهشکده مطالعات اسلامی در علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۴۰۰ش.
۲۱. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، *الخصال*، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۳ق.
۲۲. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، *ثواب الأعمال و عقاب الأعمال*، قم، الشریف الرضی، دوم، ۱۴۰۶ق.
۲۳. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، *علل الشرائع*، قم، داوری، ۱۳۸۶ش.
۲۴. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، *من لایحضره الفقیه (الفقیه)*، قم، جامعه مدرسین، دوم، ۱۴۱۳ق.
۲۵. طباطبائی، سیدمحمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۷ق.
۲۶. طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، ناصرخسرو، ۱۳۷۲ش.
۲۷. طبرسی، فضل بن حسن، *مکارم الأخلاق*، قم، الشریف الرضی، ۱۴۱۲ق.
۲۸. طبری، محمد بن جریر، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار المعرفه، اول، ۱۴۱۲ق.
۲۹. طریحی، فخرالدین بن محمد، *مجمع البحرین*، تهران، مرتضوی، ۱۳۷۵ش.
۳۰. طوسی، محمد بن حسن، *الإجتهد و التقليد (العدة فی الأصول)*، قم، ستاره، ۱۴۱۷ق.
۳۱. طوسی، محمد بن حسن، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار إحياء التراث العربی، اول، بی تا.
۳۲. طوسی، محمد بن حسن، *الفهرست*، نجف، المكتبة المرتضوية، [بی تا].
۳۳. طوسی، محمد بن حسن، *رجال الطوسی*، نجف، حیدریه، ۱۳۸۱ق.
۳۴. فروید، زیگموند، *سه رساله دربارهٔ تئوری میل جنسی*، ترجمه: هاشم رضی، تهران، آسیا، دوم، ۱۳۴۳ش.
۳۵. فقیهی، علی نقی، *تربیت جنسی: مبانی، اصول و روش‌ها از منظر قرآن و حدیث*، قم، دارالحدیث، ۱۳۹۲ش.

۳۶. کشی، محمد بن عمر، *رجال الکشی*، مشهد، دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸ ش.
۳۷. کجباف، محمدباقر، *روان‌شناسی رفتار جنسی (نظریه‌ها و دیدگاه‌ها)*، تهران، روان، چهارم، ۱۳۸۷ ش.
۳۸. مجلسی، محمدتقی، *روضه المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه*، محقق مصحح: سیدحسین موسوی کرمانی و دیگران، قم، مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشان‌پور، ۱۴۰۶ ق.
۳۹. مجلسی، محمدباقر، *مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول ﷺ*، تحقیق: هاشم رسولی محلاتی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، دوم، ۱۴۰۴ ق.
۴۰. محمدقاسمی، حمید، *اخلاق جنسی از دیدگاه اسلام*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق علیه السلام، دفاع ۱۳۶۹ ش.
۴۱. معاونت پژوهش مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام‌خمنی، *آسیب‌شناسی نظام آموزشی از دیدگاه جنیستی*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام‌خمنی، ۱۳۹۰ ش.
۴۲. مفید، محمد بن محمد بن نعمان عکبری (شیخ مفید)، *أحكام النساء*، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
۴۳. موسوی خویی، سیدابوالقاسم، *معجم رجال الحدیث*، قم، مرکز آثار شیعه، ۱۳۶۹ ش.
۴۴. موسوی، سیدعباس، امامی‌راد، احمد، *کتاب جامع رضایت جنسی همسران*، تهران، بین‌الملل، ۱۳۹۹ ش.
۴۵. نجاشی، احمد بن علی، *رجال النجاشی*، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۵ ش.
۴۶. نراقی، مهدی، *جامع السعادات*، ترجمه: جلال‌الدین مجتوبی، تهران، حکمت، ۱۳۸۵ ش.

مقالات

۴۷. امامی‌راد، احمد، «بررسی فقهی تفکیک جنیستی»، *مطالعات فقه تربیتی*، دوره ۱، شماره ۱، تابستان ۱۳۹۳ ش، ص ۱۱۱-۱۳۷.
۴۸. براتی، شهناز، مرادخانی، مهری و عنایت، حلیمه، «تقسیم کار جنیستی از دیدگاه اسلام»، *پژوهشنامه اسلامی زنان و خانواده*، مقاله ۶، دوره ۲، شماره ۱، بهار ۱۳۹۳ ش، ص ۱۳۹-۱۵۴.

۴۹. شریفی، علی و دهقانی، فرزاد، «تحلیلی بر روایات منع آموزش سوره یوسف به زنان»، مطالعات فهم حدیث، سال چهارم، شماره اول، پاییز و زمستان ۱۳۹۶ش، پیاپی ۷.
۵۰. شکوهی، احمد و ابراهیمی، علی‌رضا، «حکم اولیه تعدد زوجات از منظر فقه امامیه»، مطالعات تطبیقی فقه و اصول، دوره ۳، شمار ۱، پیاپی ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۹ش، ص ۱۴۴-۱۶۰.
۵۱. صفری، نعمت‌الله، «آموزش زنان در صدر اسلام»، پیام زن، تیر ۱۳۸۱ش، شماره ۱۲۴.
۵۲. فقیهی، علی‌نقی، شکوهی، یکتا و پرند، اکرم، «آموزش جنسی به کودک و نوجوان از دیدگاه اسلامی و مطالعات روان‌شناختی»، تربیت اسلامی، سال سوم، شماره ۷، پاییز و زمستان ۱۳۸۷ش، ص ۵۱-۸۰.